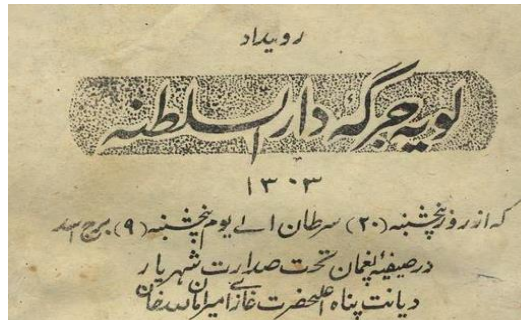


31 آگست 2016

داکتر سید عبدالله کاظم
به همکاری: محمد ایاز نوری (آزادی) و نازک میر زهیر

"رویداد لویه جرگه دارالسلطنه 1303"

(به تقریب نود و هفتمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان)
(قسمت هژدهم)



د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

کوائف روز پنجشنبه (۲) اسد وقت صبح

{ در این روز نیز ذات جهانبانی و عموم اعضای لویه جرگه حسب معمول در بارگاه عالیشان لویه جرگه احضار شده ذات جهانبانی بعد از وقفهٔ قلیل فرمودند. ب. د. }

اعلیحضرت: دیروز ما نتیجهٔ تام و ثمرهٔ تسلیت انجام آخری خود را نشان نداده بواسطهٔ اختتام و قتل فیصلهٔ آن ملتوی به الیوم ماند. اغلباً شما حضار محترم درین مورد دیشب کدام یک فکر خوب و طریقهٔ مرغوبی را نیز سنجیده خواهید بود، نظریات خود نسبت بازدید بدل عسکری و عدم قبولیت عوض، همان بود که دیروز برای تان بالتفصیل باخرابی و مضار آن گفته شد، اینکه دیده شود که رأی و مفکوره شما چیست.

وکیل: اعلیحضرت! فدایت شویم از عدم قبولیت عوض برای ملت و فاکیشیت تکلیف بسیار زیاد عائد میشود و در نظام امورات شان بواسطهٔ بیرون آمدن اسم آنها در قرعه عسکری یک سکنه و تعطل بوقوع می انجامد، بلکه بسا اشخاص چون مرجع الیه و سر پرست عائله و فامیل و زراعت و تجارت و دیگر امور معیشت خود بالذات میباشد، بمجردیکه اسمش در قرعه کشی برآمد، تمام اموراتش خراب و بر باد میگردد. اگر حکومت از امثال این رجال معذور بهر گونه شرائط و ضوابطی که خواسته باشد، عوض قبول کند و یا بدل عسکری را تقلیل نماید، خالی از فوائد نخواهد بود.

لویه جرگه: تماماً بتائید قبولیت عوض و بدل عسکری عرائض نموده التجاء منظوری آنرا بانواع مقولات و اقسام دلائل عرض و تمنا مینمودند.

وزیر مالیه: بیانیهٔ طولی را در شرف خدمت عسکری و لزوم تعلیمات حربی برای عموم افراد اسلامی ایراد کنان گفت: بهمه شما علماء و فضلاء و سادات و مشائخ معلوم است که حضرت ختمی مرتبت اکثریه لباس حربی را در بر میفرمودند و از آیات بینات قرآنی و احادیث نبوی این مسئله بعین رسیده است که تمام خدمات نظامی و لوازمات حربی بر هر فرد اسلام مانند دیگر ارکان مسلمانی فرض است، حتی اخذ عسکر باصول قرعه نیز از اساسهای مقرر ما مسلمان ها است که همواره بزرگان و اهل سلف ما رحمت الله علیهم اجمعین آنرا در موقع جهاد استعمال مینمودند. اکنون ما از آن اصول بیخبر مانده دیگران از آن استفاده نموده حسب ضرورت بواسطهٔ همین اصول مقدس بر دشمنان خود کامیابی را در نتیجه می نگرند. و اینهم از بدیهات است یکنفر تعلیم یافته بمقابل چندین نفری بی تعلیم و عجمی فاتح و مظفر مانده محارب نادان مرگ و تلفات را حتماً در مقابله خود می نگرد و مخصوصاً در این موقع که آلات و ادوات حربیه باصول جدید بر روی کار شده، تعلیم آن و دانستن صورت استعمال آن بر هر مسلمان ضروری است. اگر ما ملت اسلامیة افغانستان خود را از خدمت باشرف نظامی بواسطهٔ عوض و اعطای بدل عسکری معاف و سبکدوش نمائیم، معلوم است که برطبق فرمایش آیه (واعدولهم مالستطعتم من قوة) کار بند نشده این بفعوای (وجاهدو فی سبیل الله) کاری ننموده ایم. بخیال عاجزانه ام باید از شاه گرفته تا گدا تماماً بدون هیچ کدام فرق و امتیاز داخل خدمت سلک عسکری شده بعد از اخذ تعلیمات واپس بخانه خود عودت کنیم و رضای خداوندی و حضرت رسالت پناهی را تحصیل نمائیم. علاوه براینکه تعلیمات عسکری یکی از اصول های لایتغیر مذهبی ماست، در ضمن اقامه در قشلهٔ عسکریه عموم افراد سر بازان از اخلاق و عادات و افکار و نظریات همدیگر کسب معلومات نموده تجربه و فوائد بسیار را برای آتیه خود کسب میکنند و از گرم و سرد

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

جهان اطلاعات بهم می‌رسانند. بلی! اگر نماز فدیة داشته باشد، و یا بخواندن نماز یکنفر دیگری از نماز خواندن معاف شود، بس بایستی که در جهاد نیز بدل عسکری و عوض قبول و منظور شود، زیرا اهمیت و فرضیت و قطعیت جهاد و نماز در عقائد اسلامی یکسان است.

عبدالرحمن خان رئیس: نطق فصیح و بلیغی را ایراد کنان اهمیت نظام و لزوم تعلیمات آنرا در آن حتمی و ضروری نشان داده بلاخره گفت که عسکری یک چیزی بسیار ضروری است و وجودش برای حفظ ناموس ملت و دولت و نگهداشت شان و شرافت وطن، امریست لابدی. الله الحمد که تمام ملت افغانستان بشوقیکه بالاتر از آن تصور نمیشود و بذوقیکه نیکوتر از آن بفهم نمی آید، خدمات نظامی را قبولدارند. در اصول آن چنانچه دیروز فیصله شد، هیچ یک بحث و مذاکره ندارند، البته در بعضی فروع آن و تعدیل بعضی جزویات نمیگویم که مردم قندهار و سمت مشرقی بلکه تمام سکنه مملکت افغانی عرائض دارند و بکمال شدت عرض منظوری آنرا خصوصاً از حضور همایونی دارند. خودم شخصاً ابدأ طرفدار جریان اصول قومی نیستم، زیرا در قومی پامالی حسیات آزادی و حریت بوده برخلاف مظلومین و عاجزان، صاحب رسوخ و زبردست چنانچه مذکور شد، کار روائی مینمایند و ملت مظلوم ما را بیک حربۀ خونین حق تلفی و بار اندازی بچاه فلاکت و ادبار می اندازند. الله الحمد که لویه جرگه نیز بر طبق خیال عاجزانه ام در انسداد قومی فیصله کرد، باقی میماند بحث قبولیت عوض و تقلیل بدل عسکری. بخیالم برای حکومت از حد ضروریست که عرائض قابل قبول ملت عزیز خود را قبول نمایند و تمام را از این پریشانی که از عدم منظوری عوض و کثرت بدل عسکری دارند، وارهاند. زیرا اگر عموم برای خدمت عسکری تکلیف شوند، معلوم است که نه تنها برای ملت بلکه بیشتر تر برای دولت از طرف محصول مال مواشی و مالیات و گمرکات که تماماً حصول آن وابسته بوجود بعضی افراد است، خساره عائد میشود.

فیض محمد خان وکیل: من نیز طرفدار همین خیالم، بایستی حکومت متبوعه ما محض رعایت بعضی تجار کثیرالمحصول و زمینداران و اشخاصیکه برای انتظام امورات خانگی و برای دیگر امورات اداری وجودشان حتمی است، بدل عسکر یا عوض را منظور کنند.

فیض محمد خان وزیر معارف: بیانیه طولانی را ایراد کنان گفت: نبایستی از این اصول مقدس تعلیم جهاد برای عذر های دنیوی و جزوی ملت خود را محروم داشت. ضرور است که تمام افراد ملت بدون استثناء در نظام آمده بعد از اخذ تعلیمات و تکمیل موعد خدمت و سپس بروند. چنانچه در عصر نبوی مسلمانان بدون استثناء تاجر و بیگس، همه صحابه در جهاد شامل میشدند. حتی حضرت عثمان ذی النورین که یکی از تجار مشهور عصر نبوت است، چون در یکی از غزوات امورات تجارتي خود را مهمل و بر هم گذارده شامل شد و آنحضرت در حق وی دعای خیر نمودند.

عبدالرحمن خان رئیس: - ما بهیچ طور نمیتوانیم که افعال و اعمال خود ها را با مسلمانان عصر سابقه برابر بتوانیم، چه جای اینکه با اصحاب نبوی من تمثیلاً عرض میکنم که اگر نام وزیر صاحب معارف در قرعه عسکری برآید، البته از روی عقاید اسلامی این خروج اسمش در نظام موجب سعادت و مفخرتش است، فاما دقت بکار برده شود که چقدر مهمات دولتی و امورات عرفانی افغانستان در زاویۀ تعطیل میماند.

اعلیحضرت : میعادیکه برای عسکری استجلابی مقرر است، از سن (۲۴) الی (۲۷) است، حالانکه هیچ یک جوان بدین سن نه تاجر صاحب معامله و نه وزیر صاحب سیاست میشود. این تمثیل شما تقریباً درست نیست.

عبدالرحمن خان رئیس : اعلیحضرتا ! عرض که من بحضور مجلس نموده ام والله از دلسوزی و صداقت است. اینک میخوانند تجربه فرمایند، اگر بدل عسکری هم مانند عوض مسدود شود و تعلیم نظام جبراً و کره‌ها بر تمام ملت بدون استثناء جریان یابد، ببینید که چقدر شکایات بهم میرسد و چقدر مشکلات فراهم میشود.

لویه جرگه : در اینجا عموم لویه جرگه باز استدعا های مزیدی را در باره قبولیت عوض و تقلیل بدل عسکری محض برای آسوده حالی ملت و تسهیلات جهت کسانیکه بیکس میباشند، نمودند.

اعلیحضرت : واعجاباً از اول مبحث الی آلان شما میگوئید که عوض و تقلیل بدل عسکری جهت اشخاص بیکس منظور شود، حالانکه در نظامنامه برای اشخاص بیکس از خدمت نظامی بدون از عوض و بدل عسکری معافی داده می شود.

لویه جرگه : الحق که در نظام نامه نفوس اعلیحضرت برای اشخاص بیکس این مراعات معافی را که میفرمائید، عطا فرموده اند. تعریف بیکس و تحدید آنرا بدان اقارب و خویشاوندان که در نظامنامه مزبور نموده شده است، ظاهر است که احدی اینچنین به نزد حکومت بشکایت نخواهد آمد که قرار آن تعریف نظامنامه بیکس شود. لکن بسا اشخاص ببرد سرشته خانگی و امورات جهانداری این مردیکه نامش بقرعه عسکری بر آمده است، نمیخورد و بمنافع این قریب و عزیز خود کاری نمینماید، بیکس گفته میشوند. از این رو تقلیل بدل عسکری و یا قبول عوض ضرور است.

اعلیحضرت : در این صورت لازم آمد که بجای قبولیت عوض و قلیل بدل عسکری در نظامنامه در تعریف و تحدید بیکس توضیحات حسب مطلوب شما بعمل آید. اگر مقصدتان همین باشد، بگوئید که ماما و کاکا و آن اقارب و خویشاوندان او را که بمنفعت دیگر قریب و خویش خود کاری نمی کنند و یا امورات جهانداری او را اداره نمی نمایند، از نظامنامه خارج شده بعوض آن همدرد و قریب و مربی و غمخوار صحیح شان اندراج یابد.

وکیل : فدایت شوم طبایع و عادات مختلف و "زمانه پار آخر است"، در بسا مواقع ممکن است که یک مرد بیگانه بلند تر و بیشتر از اقارب قریب و خویشاوندان حبیب با یک رفیق و دوست دیگر خود طرز عمل خوبی را در محل اجرا آورد و اکثریه دیده شده و شنیده میشود که یک پسر با پدرش اظهار همدردی نمیکند و یا پدر بهمراه عائله و هستی و فرزندش مراتب شفقت را مرعی نمیدارد. در صورتیکه معامله پدر با پسر و از بچه با بابه بدین منوال باشد، پس از عم و خال و دیگر خویشها چه توقع باید کرد و بهر تقدیر نه تنها خودم بلکه عموم لویه جرگه در نتیجه مذاکرات دیشبه خود و از تجربه که برای شان بعد از اجراء این نظامنامه حاصل شده است، قبول این عرض را بکمال عذر از حضور شفقت دستورت التجا میکنند که چیزی در بدل عسکری تقلیل و هم عوض از اشخاص معذور پذیرفته شود.

ادیب افندی : (در اینجا رئیس مکتب امانیه و امانی) یک نطق مفصلی را در موضوع اهمیت نظام و لزوم آن برای تمام ملت ایراد داشته ضمناً بیان نمود: اعلیحضرتا ! بایستی که جبراً هر فرد افغانی برای تعلیمات نظامی احضار کرده شود. ابدأً از احدی غریب باشد یا دولتمند، نه بدل عسکری و لو

بهارها روپیه بدهد، قبول شود و نه عوض را منظور نمائید. زیرا مقصد اصلی از جریان نفوس تعمیم و تحکیم تعلیمات نظامی است. در تمام افراد ملکی در صورتیکه عوض و بدل نقدی پذیرفته شود، اصل مقصد که تعمیم تعلیم است فوت میشود و اگر بعضی اشخاص را حکومت بواسطه بیکسی و یا مشغولیت و یا مصروفیت و یا تجارت و یا دیگر مسائل بقتله نظامی آوردن مناسب نمیداند، پس لازم که برای آنها بجای قبولیت عوض و بدل عسکری در همان موقف و نشیمن خودش بواسطه معلمین تعلیمات نظامی عسکری روزانه (۲) ساعت و یا بیشتر داده شود.

{ از این بیانیه جدیانه ادیب افندی چون تماماً مذاق و مطلوب لویه جرگه که منظوریت این دو مسئله را بهر طوریکه ممکن میشد، حتماً از حضور عدالت دستور همایونی خواستار بودند، ایراد شد، دفعتاً تمام لویه جرگه برین گفتار طلاق دثار این جوان عالیشان بر آشفتنند و از هر گوشه و کنار چشمهای تردید کننده گان و مخالفین بر علیه نطق مزبور بدرخشیدن آغاز نهاد، اگر درین موقع رئیس شورای دولت از چالاکی و تیز دستی کار نمیگرفت البته بر تردید این مقاله از هر کنار و هر گوشه گفت و شنید بعمل می آمد. ب.د. }

رئیس شورای دولت : اعلیحضرتا! در صورتیکه عموم لویه جرگه خواستار قبولیت عوض و تقلیل بدل عسکری بنظر آیند و از اوضاع شان چنان مفهوم مستنبط میگردد که این عریضه شان که بکمال عرض و التجاء امید دارند، قبول شود و در واقع این قول و مفکوره شان نیز قرین صواب است، زیرا که ملت عوض را با وجود آن سرگردانی و نقصاناتیکه برایشان عائد میشود، قبول دارند. اگر ذات همایونی نیز بشرائط و ضوابطی متینی که در آن هیچ صورت یک نقص و خساره بدولت و عسکر و تعلیمات نظامی عائد گردد، عوض را قبول فرمایند، بخيال عاجزانه ام بهتر خواهد بود.

لویه جرگه: از استماع این کلام منصفانه و گذارش حقانه رئیس صاحب تماماً اظهار خرمی و شادمانی مزید را ایراد کنان محض جهت تائید و تحسین و استدعای منظوری آن مکرراً غلغله های تکبیر بلند و کف زدنهای خرمی بعمل می آمد و در تائید این نظریه از هر طرف بیانات داده میشد.

اعلیحضرت : از میلان طبیعت و وضعیت عموم تان معلوم شد که عوض را قلباً و جدماً خواستارید و از پریشانیها و سرگردانی هائیکه برای تان در عوض از قبیل گریختن عوض و زیاده پول گرفتن و از دست کشیدن خدمت و گریختاندن اسلحه قریب به اختتام موعده خدمت را گذاشتن و رو پوش شدن و امثال آن پروا ندارید، لهذا حکومت حاضر است { باشرائط درذیل تحریر می شود . ب. د . } عوض شما را بپذیرد.

لویه جرگه : تماماً از این شفقت اعلیحضرت در یک عالم خرمی و یک جهان شادمانی بعبارات لطیف یک زبان شده بعرض رسانیدند که ما عوض را با شرائطی که از آن سخت تر نباشد، قبول داریم .

{شرائط ذیل را اعلیحضرت همایونی به تفصیل میفرمودند و لویه جرگه بدون تعلل بکمال گرمجوشی هر کدامش را به تشریح آتیه قبول میکردند. ب.د. }

(ادامه در قسمت نهم)